

امام خمینی قدس سره:

ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد اسلام هست آسیب نخواهد دید.

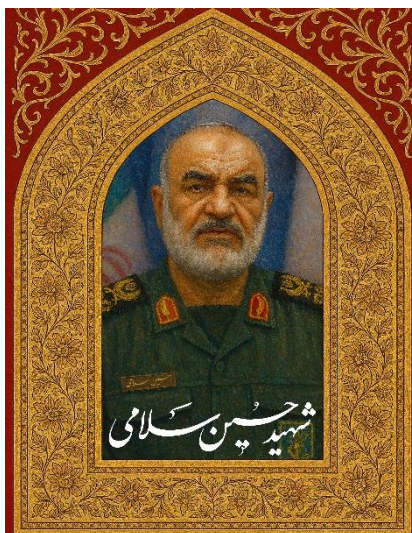


مادر! فقط میخوانمت «دیا»، که شوری بی کران داری!
ولادت حضرت زهرا (س)؛ روز زن و مادر کرامی باد



- هر مقداری که شما عمل کردید به قرآن، زیر پرچمش رفتید. پرچم قرآن این نیست که پرچم های دیگران هستند، پرچم قرآن عمل به قرآن است.
- هر چه در راه خدا بدهیم، و هر چه در راه قرآن بدهیم فخر ماست، افتخار ماست، راه حق است.

- زنان مدیر خانه هستند، نه خدمتکار شما.
- زن مانند گل است، گل باید مراقبت و محافظت شود...
- مهمترین حق و نیاز زن در خانه، محبت همسر است. مردان باید محبت به زنان خود را ابراز و بیان کنند.



- خداوند متعال، مومنان را با سختی و مشکلات روبرو می‌کند تا قله ای از سعادت را فتح کنند و شهدای واقعه عاشورا، با تحمل سختی‌ها به الگویی جاودانه تبدیل شدند.
- اگر امروز سیاست قدرت‌های بزرگ با توقف روبه‌رو شده، ناشی از ریشه‌های مقاومت است.
- امروز ایران اسلامی از همیشه قدرتمندتر است، به طوریکه این توان و قدرت در حد و اندازه شکستن تمام استخوان‌های قدرتمندترین دشمن ملت و کشور عزیزمان ایران است.



فصلنامه فرهنگی نسیم (همانی)

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی الرحمن

مدیر مسئول و سردبیر: جمال ایزدی

شورای تحریریه: جلیل ایزدی، فرج‌اله شکری، فاطمه ایزدی، رقیه پورولی، فاطمه زهرا رضوانی.

ویراستار: فاطمه ایزدی، فاطمه ارشدی.

دبیر اجرایی و طراح: رقیه پورولی

با تشکر از همکاران این شماره: سارا غلامی‌فرد، نگین کریمی، پردیس عباسی، نازنین زینب باقری، فاطمه رحیمی،

سمانه حسینی، مژگان استقامت و فاطمه کشتکار.

نشانی پستی: استان فارس - شهرستان پاسارگاد - سعادت‌شهر - بلوار علی‌آباد - مؤسسه فرهنگی الرحمن.

سرویس پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۱۸۶۳

پست الکترونیک: alrahmanfars۳۱۳@gmail.com

نمابر: ۰۷۱۴۳۵۶۳۱۸۸

شماره تماس: ۰۷۱۴۳۵۶۷۴۵۴

www.alrahmanfars.ir

فهرست

صفحه

۵	سخن مدیر مسئول
۶	زندگی نامه حضرت زهرا علیها السلام
۸	لحظه ای درنگ
۹	صفحه ای به رنگ انتظار
۱۱	مقام زن و مادر در اسلام
۱۵	مادر مهر
۱۷	کلام ناب
۱۸	گنجی آسمانی
۱۹	نوشابه
۲۱	هفته پژوهش، چراغی برای آینده
۲۳	کوثر
۲۵	گفتگو
۲۷	حکایت ها

سخن مدیر مسئول

حضرت صدیقۀ طاهره، فاطمۀ زهرا^{علیها السلام}، حقیقتی جاری در بستر تمدن اسلامی و تندیس «انسان تراز الهی» است؛ الگویی که معرفت او، فهم رسالت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلام را ژرف تر می‌سازد. در روزگاری که لایه‌های غبارآلود تبلیغات فرهنگی و جنگ روایت‌ها در تلاش‌اند ارزش‌ها را به حاشیه برانند، بازخوانی سیره و شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها یک ضرورت علمی و نیاز معرفتی برای جامعه امروز است.

حضرت زهرا^{علیها السلام} را باید در سه ساحت معرفت‌شناختی نگریست:

نخست، ساحت علمی و الهی که در آن، حضرت مظهر عقلانیت قدسی و حامل علم نبوی است. «مصحف فاطمه» تنها یک یادگار معنوی نیست، بلکه نماد تداوم جریان علم الهی در دل تاریخ است؛ گواهی بر اینکه زن مسلمان می‌تواند منشأ تولید معرفت، و شریک در بنای تمدن باشد.

دوم، ساحت ادبی و زیبایی‌شناختی که در آن، خطبۀ فدکیه همچون قله‌ای از فصاحت، بلاغت و اندیشۀ ژرف اجتماعی می‌درخشد. این خطبه نه تنها سندی از حق‌طلبی، که آینه‌ای از شعور سیاسی و بصیرت تمدن‌ساز حضرت زهرا سلام الله علیها است؛ متنی که هر پژوهشگر علوم انسانی را به درک تازه‌ای از پیوند میان حق، عدالت، حکومت و مردم می‌رساند.

سوم، ساحت انقلابی و تمدنی؛ فاطمه زهرا^{علیها السلام} را باید پیشگام و الهام‌بخش هر حرکت بیدارگرانه دانست. ایستادگی ایشان در برابر تحریف حقیقت و دفاع از ولایت، نه یک واکنش تاریخی، بلکه یک «نظریۀ مقاومت» است؛ نظریه‌ای که در انقلاب اسلامی ایران به زبان ملت جاری شد و در دفاع مقدس، مقاومت منطقه و همه جغرافیاهای ظلم‌ستیز، تجلی تازه یافت. آنجا که تاریخ ایستاد، زهرا^{علیها السلام} حرکت آفرید؛ و آنجا که جامعه در بیم سردرگمی بود، او چراغ بصیرت افروخت.

امروز نیز جامعه ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به همان مکتب نورانی است؛ مکتبی که زن را نه در حصار کلیشه‌های مادی، بلکه در قلۀ فهم، کرامت، اثرگذاری و مسئولیت تاریخی می‌نشاند. بازشناسی شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها برای ما یک کار صرفاً عاطفی یا آیینی نیست؛ بلکه یک پروژه فکری، فرهنگی و تمدنی است. او معیار است؛ معیار فهم حقیقت، معیار انتخاب مسیر، و معیار تشخیص در هنگامۀ غبارآلود فتنه‌ها. **إِنَّ شَاءَ اللَّهِ** که بتوانیم با نگاه علمی و رویکردی چندبعدی، جلوه‌هایی از این شخصیت یگانه را بازخوانی کنیم و گامی کوچک در مسیر پرورش «جامعۀ فاطمی» و ساخت «تمدن نوین اسلامی» برداریم.





زندگی نامه کوتاه حضرت زهرا علیها السلام

میلاد بانوی دو عالم، روز تجلی پاکی و کرامت زن است؛ روزی که دنیای اسلام به یاد مادر همه خوبی ها و نماد عصمت و ایمان، شکوفا می شود. این روز، یادآور این حقیقت است که زن می تواند بالاترین مراتب کمال انسانی را پیموده و الگویی جاودانه برای تمام نسل ها باشد.

زهرا، عصاره نبوت، همدم ولایت، و نماد بندگی ناب است.

در کتب حدیث شریف آمده است که حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «فاطمه پاره تن من است، هر که او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است.»

این حدیث، جایگاه رفیع و ارتباط ناگسستنی حضرت زهرا علیها السلام را با مقام رسالت نشان می دهد و اهمیت پیروی از سیره و منش ایشان را در حیات فردی و اجتماعی گوشزد می نماید. عظمت ایشان از مقام مادری ائمه معصومین علیهم السلام و همسری امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فراتر رفته و به مقام شفاعت کبری و رضایت الهی گره خورده است.

تولد در دامن وحی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت (حدود سال دوم قبل از هجرت)، در مکه مکرمه دیده به جهان گشود. ایشان دختر نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ و بانوی پاکی و ایمان، خدیجه کبری علیها السلام است که به عنوان تنها فرزند بازمانده از پیامبر ﷺ که سلاله پاک ایشان از این طریق ادامه یافت، سرآغاز برکات بی شماری برای جهان اسلام بود.

شاهد رنج ها و ایمان:

از دوران کودکی، فاطمه شاهد رنج های پدر بزرگوارش در مسیر دعوت الهی بود. ایشان در سخت ترین شرایط تحریم اقتصادی و اجتماعی در شعب ابی طالب، با ایمان و صبر، در کنار پیامبر ایستاد و تسلای خاطر ایشان بود.

ازدواج و امامت:

پس از هجرت و تشکیل جامعه اسلامی در مدینه، ایشان در خانه‌ای ساده، با امام علی علیه‌السلام ازدواج نمود. این پیوند آسمانی، ثمراتی جز نور و هدایت نداشت و ایشان مادر امام حسن مجتبی علیه‌السلام، امام حسین شهید علیه‌السلام و حضرت زینب کبری علیه‌السلام و ام‌کلثوم علیه‌السلام شد و مادر امامان هدایت گشت.

ویژگی‌های برجسته:

ساده‌زیستی، عبادت بی‌ریا و تلاش برای حفظ حق و عدالت از برجسته‌ترین صفات این بانوی الهی است. ایشان نمونه‌ای کامل از ترکیب کمالات انسانی در بالاترین سطح بود.

در وصف ایشان سروده‌اند:

آفتاب از نفسش روشنی آرام گرفت،

دین از او رونق و آیین ز او احترام گرفت.

این سادگی در زندگی، در عین تعلق به مقام عصمت و قرب الهی، الگویی بی‌بدیل برای رهایی از تعلقات دنیوی و تمرکز بر رضای خداوند است. زندگی فاطمه علیه‌السلام نشان می‌دهد که کمال در سادگی است، نه در تجملات مادی.





لحظه‌ای درنگ

چاپلوسی در سه جا لازم و
عبادت است: در برابر خدا،
والدین و در برابر محرومان و
ستمیدگان. حضرت علی علیه السلام

کسی که به دنبال انتقام
گرفتن است، زخم‌هایش را
تازه نگه می‌دارد.

(فرانسیس بیکن)

خوبی‌های خود و بدی‌های
دیگران را پنهان کن، خدا
افشاگر خوبی است.

باز شدن هر آموزشگاه
=
بسته شدن یک بازداشتگاه
(ویکتور هوگو)

۵ چیز را از کودکان بیاموز: در حال زندگی
کن تا لذت ببری. شادی را گران نکن. با
تمام وجود (از خدا) بخواه. کینه را از ذهن و
زندگی دور کن. همواره در حال تلاش باش.

منبع: سایت تبیان





صفه‌ای به رنگ انتظار

سلام بر امام مهدی عزیز

سلام بر تو که منتظری تا از پرده غیبت بیرون آیی و دنیا را پر از طراوت و زیبایی نمایی!

گاهی وقت‌ها که دلم می‌گیرد، یادم به تو می‌افتد... تویی که از همه مهربان‌تری!

از غم‌های دلم خبر داری... می‌دانی که دنیا پر از رنج است... بدون تو هیچ بهاری لبخند نمی‌زند... بدون تو تمام فصل‌ها سرد و خزان‌زده است و «شکفتن» سرابی بیش نیست!

بی تو آسمان، گرفته و غبارآلود است

و زمین حای زندگی نیست! نفس کشیدن در این سرای غم‌زده چه دشوار است!

تو منتظری تا دل‌هایمان از آلودگی گناه پاک شود... منتظری تا ما در مسیری قدم بگذاریم که پر از لبخند زیبای توست!

ای پناهگاه دلتنگی‌ها و خستگی‌هایم!

می‌دانم که یک روز می‌آیی و دنیا را پر از نور و لبخند می‌کنی!

دلم می‌خواهد آن روز باشم و آرزوی دیدنت در دلم نماند!

می‌دانم که می‌آیی و همه حس می‌کنند کسی آمده تا دنیا را آن‌طور بسازد که باید باشد!

گاهی فقط به «السلام علیک یا مهدی» می‌اندیشم و امید و زندگی، دوباره در دلم روشن می‌شود.

به امید آن روز

پردیس عباسی؛ دبیرستان الزهراء



گاهی وقت‌ها که دنیا ناگهانی ساکت می‌شود و همه‌چیز رنگ و بوی خستگی می‌گیرد، دلم به سمت یک نام پر می‌کشد! سمت کسی که هیچ وقت ندیدمش؛ اما انگار سالهاست دلتنگ اویم!

نمی‌دانم این دلتنگی از کجا می‌آید؟ شاید از کودکی‌هایی که به ما یاد دادند: «امام زمان مراقب ماست! برایمان دعا می‌کند!»

و شاید از شب‌هایی که بین گریه و دعا حس کردیم دستی نامرئی ما را آرام می‌کند و یا شاید اینکه میان اینهمه شلوغی و بی‌مهری دلمان دنبال کسی می‌گردد که عدالت را مثل نسیم صبحگاهی روی زمین پخش کند...

دنیا پر از عجله است، پر از آدم‌هایی که با هم قهرند؛ پر از دل‌هایی که زخمی‌اند... پر از لبخندهایی که واقعی نیستند...

گاهی دلم آدم از خبرها، اتفاق‌ها و ظلم‌ها می‌گیرد!

انسان، حس می‌کند که زمین بدون حضور صاحبش چقدر غریب است! چقدر خسته! چقدر تنها!

خودم را در این بین نگاه می‌کنم... یک نوجوان با دنیایی از سوال! با آرزوهای کوچک و بزرگ!

با دلتنگی‌هایی که نمی‌دانم به کجا ببرم! یکمرتبه یادم می‌افتد که من یک امام دارم؛ امامی که با آمدنش همه چیز تغییر می‌کند...

گاهی فکر می‌کنم که اگر همین امروز پرده غیبت کنار برود، چه اتفاقی می‌افتد؟

کوچه‌ها روشن‌تر! مردم با هم مهربان‌تر و همه دردها کنار می‌رود! وقتی آقا بیاید، زمین، نفسی عمیق می‌کشد و آسمان به زیبایی لبخند می‌زند!

آری وقتی او بیاید، هیچ کودکی از ترس جنگ به خود نمی‌لرزد و هیچ مادری برای نان و زندگی‌اش اشک نمی‌ریزد...

هیچ جوانی به خاطر بی‌عدالتی ناامید نمی‌شود... دنیا زیر قدم‌های حضرت، دنیا می‌شود! دنیایی که در آن عشق، واقعی است مهربانی، واقعی است و انسان از انسان بودنش خجالت نمی‌کشد!

دنیا جایی می‌شود برای نفس کشیدن، برای زندگی کردن و برای خوشحال بودن!

اما در این میان یادمان باشد حال که در دوران قبل از ظهور به سر می‌بریم وظیفه داریم طوری زندگی کنیم که اماممان به وجود ما افتخار کند باید حواسمان باشد مهربانی را از یاد نبریم و دل کسی را نشکنیم!

دلتنگی برای امام زمان فقط یک حس نیست؛ بلکه یک راه است... یک جهت‌گیری است! یک یادآوری که: «تو تنها نیستی!»

امیدوارم به زودی روزی فرا برسد که همه این دلتنگی‌ها به دیدار تبدیل شود و زمین از این غربت تلخ بیرون بیاید.

نازنین زینب باقری؛ دبیرستان الزهراء

امیدوارم من هم بتوانم از یاران او باشم هر چند با یک قدم کوچک!



مقام زن و مادر در اسلام

زن، مظهر رحمت و تربیت

در نگاه اسلام، زن سرچشمه محبت و خاستگاه تربیت انسانی است. اسلام با دیدگاهی متعالی و تکریم‌آمیز به جایگاه زن نگریسته و او را شریک اصلی حرکت‌های تاریخی و اجتماعی می‌داند. قرآن کریم به زن، جایگاه الهی بخشیده و مقام احترام و کرامت را برای او تثبیت نموده است.

منزلت مادر:

اهمیت مادر در اسلام تا حدی است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «بهشت زیر پای مادران است.» این تعبیر نه تنها فضیلتی است برای مادران؛ بلکه تأکیدی است بر مسئولیت سنگین و نقش حیاتی زن در پرورش نسل‌های آینده که بنیاد جامعه دینی بر دوش آنان است.

روز زن و مادر:

میلاد حضرت زهرا علیها السلام، نماد ارج نهادن به مقام زن است. روزی که در تقویم ما، نامش روز زن و مادر شد تا یادآور مهر الهی و عظمت زن مؤمن باشد. این نامگذاری، پیوندی ناگسستنی میان الگوی بی‌نظیر عصمت و تمام مادران و بانوان جامعه برقرار می‌سازد.

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام:

امام علی علیه السلام در بیانی عمیق در مورد اهمیت مراقبت و احترام به بانوان فرمودند: «زنان، گل‌های زندگی‌اند؛ با آنان با مهربانی رفتار کنید.»

این توصیه نشان می‌دهد که جامعه‌ای که زن را گرمی بخشد، جامعه‌ای پویا و سرشار از عطر معنویت خواهد بود. نقش زن در حفظ بنیان خانواده، ستون اصلی سلامت اجتماعی و اخلاقی جامعه است.

سبک زندگی فاطمی:

سبک زندگی فاطمی، صرفاً یک شیوه زیستن نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اصول اخلاقی، عبادی و اجتماعی است که سعادت دنیوی و اخروی را تضمین می‌کند. این الگو برای هر انسان مؤمن، چه زن و چه مرد، جهت‌گیری روشنی ارائه می‌دهد.





۱. ساده‌زیستی همراه با کرامت:

زندگی حضرت زهرا^{علیها السلام} با وجود داشتن جایگاه رفیع نزد خداوند، مملو از قناعت و ساده‌زیستی بود. ایشان در عین حال که هرگز کرامت انسانی خود را قربانی فقر نکردند، به مستحقان کمک می‌کردند. این توازن میان زهد و عزت نفس، در ریاضیات اخلاقی بسیار مهم است.

۲. احترام به همسر و خانواده:

رابطه مثال‌زدنی ایشان با امیرالمؤمنین^{علیه السلام} و نحوه تربیت فرزندان، نمونه‌ای کامل از مودت و رحمت در چارچوب خانواده اسلامی است. خانواده فاطمی، کانونی از عشق الهی بود.

۳. تربیت فرزندان با محبت و ایمان:

فرزندان ایشان، یعنی حسن^{علیه السلام}، حسین^{علیه السلام} و زینب کبری^{علیها السلام}، محصول مستقیم این تربیت الهی بودند. تربیت مبتنی بر ایمان عمیق، فرزندان شجاع، عالم و مقاوم در برابر ظلم به جامعه تحویل می‌دهد.

زهرا^{علیها السلام} در ادبیات و هنر:

در ادبیات فارسی، نام زهرا نماد عشق الهی، پاکی مطلق و مظهر حجب و حیا است. شاعران همواره کوشیده‌اند تا قطره‌ای از اقیانوس وجود ایشان را به نظم بکشند، هرچند که زبان بشری در وصف ایشان قاصر است.

شعر ادبی:

«ای بانوی عصمت فردا، ای مظهر ایمان و صفا،

از نام تو روشنی گیرد دل مؤمن، چشم وفا!

فورشید عدالت که بر این شاک دمید،

نام تو، ای فاطمه، سرمشق هدایت گردید.»





این جلوه‌های فرهنگی نشان می‌دهد که زندگی ایشان، تنها یک واقعه تاریخی نیست، بلکه منبع الهام بی‌پایانی برای هنر، اخلاق و معنویت است.

کلمات نورانی؛ چراغ راه هدایت

سخنان نورانی حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام در وصف ایشان، از گنجینه‌های گران‌بهای معارف اسلامی است که نشان‌دهنده جایگاه قدسی و منزلت بی‌بدیل ایشان است.

احادیث نبوی و معصومین علیهم السلام:

حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان محبت به ایشان:

«هر کس فاطمه را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.»

این حدیث، محبت به حضرت زهرا علیها السلام را ملاک و معیار محبت به خداوند متعال معرفی می‌کند؛ چرا که محبت به فرع (حضرت زهرا) نتیجه محبت به اصل (خداوند) است.

حدیثی از امام صادق علیه السلام در وصف مقام معنوی ایشان:

«زهرا، جان پیامبر بود، رضایش رضای خدا، و خشمش خشم خدا.»

این حدیث شریف، حضرت زهرا علیها السلام را واسطه رضایت الهی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که پیروی از ایشان، پیروی از خواست پروردگار است.

سندیت جایگاه صدیقه کبری علیها السلام:

از دیگر مقامات ایشان، این است که ایشان اولین کسی بودند که در سایه پدر بزرگوارشان، به مقام «صدیقه کبری» (بسیار راستگوترین) نائل آمدند، لقبی که جایگاه یقین و صدق ایشان را اثبات می‌کند.





پیام و سخن آخر

عطر بهشتی که همیشه جاری است

میلاد حضرت زهرا^{علیها السلام} تنها یادآور تاریخ نیست، بلکه دعوتی است به بازگشت به ارزش‌های پاک انسانی و تجدید بیعت با مفاهیمی چون ایثار، عفاف و عدالت. ایشان چراغ هدایتی هستند که نورشان هرگز خاموش نمی‌شود.

زندگی کوتاه اما پرمعنای ایشان، مملو از درسی بزرگ برای همه ماست: درسی برای همسران درباره مودت، درسی برای پدران و مادران درباره تربیت دینی، و درسی برای همه مسلمانان درباره ایستادگی در برابر ظلم و پایبندی به حق.

پیام نهایی:

بیاییم از بانوی نور بیاموزیم که ایمان، محبت به خلق، و خدمت خالصانه به خانواده و جامعه، زیباترین جلوه‌های انسانیت است. تقوا و عصمت، تاج افتخار زنی است که هم در دنیا برترین جایگاه را دارد و هم شفیعه مؤمنین در روز حساب است.

باشد که با یاد و نام ایشان، عطر بهشت در قلب‌های ما جاری بماند.



مادر مهر

شب آرام و دل آویز، نگاهی آسمان می تابد

به صبح روشنی بخش جهان، لطف نهان می تابد

ز جان خسته عالم، غبار رنج می ریزد کنار

که نام فاطمه بر سینه هر جان جهان می تابد



در سپیده‌دمی که آسمان هنوز میان رؤیا و روشنایی سرگردان بود، نسیمی لطیف بر دشت‌های خاموش وزید و نشانه‌ی حضوری مقدس را در گوش جهان زمزمه کرد. روزی که تقدیر، چهره‌ای تابناک را در دامان آغوش هستی نشاناد، زمین برای نخستین بار طعم لبخند آسمان را چشید؛ لحظه‌ای که میلاد بانویی رقم خورد که مهربانی را معنا بخشید و روشنی را روایت کرد.

حضرت زهرا[ؑ] آمد و با آمدنش، جهان از قید تیرگی رها شد. گویی تمام چشمه‌ها جاری‌تر شدند، تمام گل‌ها شکوفاتر و تمام دل‌های خسته، آرام گرفتند. وجودش نه تنها نشانی از زیبایی؛ که حقیقتی از جنس آرامش، استواری و لطافت بود؛ حقیقتی که در هر گوشه‌ی تاریخ، رد آن به شکلی روشن باقی مانده است.

او سایه آرام محبت بود؛ مادر مهر، یار نور و همدم حقیقت. در نگاهش، تسکین دردهای پنهان ساکن بود و در کلامش، آوای پاکی شنیده می‌شد؛ کلامی که روح را به پرواز فرا می‌خواند و جان را از غبار اندوه می‌شست. هر قدمش بذر امیدی می‌کاشت که حتی گذر قرن‌ها هم توان خاموش کردن آن را نداشت.

امروز، هر دل عاشقی که نامش را زمزمه می‌کند، بخشی از آن تابش نخستین را دوباره احساس می‌نماید؛ نوری که از سرچشمه عصمت برخاست و با هر شعاعش، راهی به سوی حقیقت گشود. میلاد او نه تنها جشن آسمان است، بلکه ضیافتی برای روح انسان؛ یادآوری این که جهان هنوز می‌تواند زیر سایه پاکی، دوباره زیبا شود.

در چنین روزی، قلب‌ها با طنین محبتی الهی می‌تپند و نسیم رحمت، پنجره جان را می‌گشاید. هر کس که نامش را بر زبان می‌آورد، گویی عطری بهشتی در جان خویش می‌نشاناد؛ عطری که خستگی‌ها را می‌زداید و صفا را جایگزین می‌کند.

میلاد بانوی قدسی، لحظه‌ای است برای برخاستن، برای دوباره شکفتن و برای یافتن حقیقتی که از ابتدا، در ژرفای وجود انسان، بی‌صدا انتظار می‌کشید؛ حقیقتی از جنس نور، کرامت و مهر... بانوی مهر، حضرت زهرا[ؑ].

و در پایان این روایت روشن، دل بی‌آنکه بخواهد در هاله‌ای از دلتنگی فرو می‌رود؛ دلتنگی حضوری که هر بار نامش شنیده می‌شود، آرامشی پنهان بر جان می‌نشیند. گویی روح، در آستانه یاد تو، خانه‌ای برای سکوت‌های خویش می‌یابد. ای بانوی مهر! هرچند قرن‌ها از آن سپیده نخستین گذشته است، اما شوق رسیدن به عطر تو هنوز در عمق جان انسان زنده است؛ شوقی که با هر یاد، دوباره شکوفه می‌زند و راه را روشن‌تر می‌کند.



هر نسیم، آینه‌ای از نفسِ روشنِ توست
دلِ من، خسته و مشتاقِ همان دامنِ توست
قرن‌ها رفت، ولی شوقِ حضورتِ زنده‌ست
زندگی، جذبۀِ یک رایحه از گلشنِ توست
هر که از مهرِ تو گفت، بارِ غمش کم شده است
چشمِ تاریکِ جهان، شیفتهٔ دیدنِ توست
من اگر دور شدم از ره آن وسعتِ نور
باز راهی‌ست که آن از کرم احسنِ توست
در دلِ هر سحری، نامِ تو جاری‌ست هنوز
هر نسیم آینه‌ای از نفسِ روشنِ توست

سارا غلامی‌فرد



کلام ناب



به دو نفر هیچ وقت

خیانت نکنید

به همسرت و رفیقت!

رازهایت را به دو نفر بگو
به خودت و خدایت

در تنگنا به دو چیز تکیه کن
به صبر و دعا

در دنیا مراقب دو چیز باش
پدر و مادر



سه چیز را

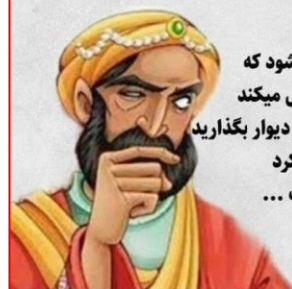
همیشه در خودت نگه دار

۱. گرسنگی ات را سر سفره دیگران...

۲. زبانت را در جمع...

۳. چشمت را در خانه یک دوست...

بهلول را گفتند :



فلانی هنگام تلاوت قرآن
چنان از خود بی خود میشود که
نقش بر زمین شده و غش میکند
بهلول گفت : او را بر سر دیوار بگذارید
تا تلاوت کند ، اگر غش کرد
در عمل خود صادق است ...



مردی نزد زرتشت رفت و گفت:

فلانی پشت سرت بد گویی کرده است

زرتشت گفت: در این گفته ات

سه خیانت بود

شخصی را نزد من خراب کردی

فکر مرا بیهوده مشغول کردی

و خودت را نزد من

خوار نمودی...



پدر و مادر همانند

سوره ای از "قرآن" هستن

که هیچ کس نمیتواند

مانندش را برایت بیاورد

با کسی بگردید که تربیت مادر

آدمش کرده باشه،

نه دارایی پدر

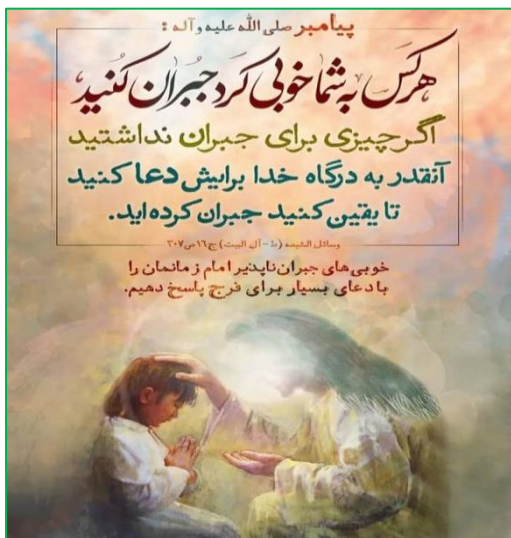


از آبرویت،

خوب مراقبت کن چون

بیشتر از تو عمر خواهد

کرد...!



پیامبر صلی الله علیه و آله :

هر کس بر شما خوبی کرد جبران کنید،

اگر چیزی برای جبران نداشتید

آنقدر به درگاه خدا برایش دعا کنید

تا یقین کنید جبران کرده اید.

وسائل النیمة (۲ - آل البيت) ج ۱ ص ۳۰۷

خوبی های جبران ناپذیر امام زمانان را
با دعای بسیار برای فرج پاسخ دهیم.

خاموش کن

فانوس وابستگی ات را



وقتی برای آدم های امروزی
خوبی و بدی یکسان است...

بیش از حد "حوّا" بودن

تاوان سنگینی دارد!

وقتی آدم مقابل ات

آدم نیست

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام گنجی آسمانی و هدیه ارزشمند حضرت رسول اکرم به پاره تنش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

ریشه کلمه "تسبیح" از "سَبَّحَ" و در فرهنگ نامه دهخدا به معنی حمد و ستایش آمده است،

واژه های قرآنی "یسبِّح" و "سَبَّحَ" در آغاز پنج سوره مبارکه قرآن کریم آمده و آیات آن سوره ها با این کلمه مطهر و پاک آغاز شده است.

سوره های مبارکه "جمعه"، "تغابن"، "حدید"، "صف" و "حشر" و ...

این که چرا به این اذکار که هدیه حضرت رسول به دختر گرانمایه اش است تسبیح می گویند، باید گفت که تمام این کلمات هر کدام به نوعی حمد و ستایش ایزد باری تعالی است.

با گفتن ۳۳ بار ذکر سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر، درهای رزق و روزی بر روی مان گشوده می شود، مشکلات به آسانی حل می شوند، فرشتگان و کائنات به یاری ما خواهند آمد...

امام صادق علیه السلام در مورد تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند: "گفتن اذکار تسبیحات حضرت زهرا، بعد از پایان نماز، از هزار رکعت نماز نزد من محبوب تر است..."

در جای دیگر امام صادق علیه السلام می فرمایند:

"همانطور که ما به بچه هایمان نماز را یاد می دهیم، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را نیز یاد می دهیم..."

این تسبیحات مخصوص بعد از نماز نیست، بلکه در جاهای دیگری نیز کاربرد دارد.

مانند گفتن این اذکار قبل از خواب، گفتن این اذکار در تمام مواقع به ویژه در هنگام آشپزی، رانندگی، بیکاری و ...

این اذکار گنجی است که در اختیار ما گذاشته شده است و وای بر ما اگر این گنجینه را رایگان از دست بدهیم؛ زیرا این اذکار مقدس در زندگی هر انسانی تاثیر گزار خواهد بود.

نکاتی مهم در مورد تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام:

۱- حضور قلب و توجه کامل به این اذکار

۲- رعایت ترتیب و تعداد هر ذکر که ابتدا ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله گفته شود.

۴- پی در پی خواندن آن و فاصله نینداختن بین اذکار

۵- شروع به خواندن تسبیحات پس از پایان سلام نماز..

در پایان امیدوارم از پیروان واقعی و ارادتمندان خاص حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها باشیم و

مورد شفاعت آن حضرت قرار گیریم!

نوشابه

زهره رضوانی

دوچرخه‌اش را آن طرف کوچه پارک کرد. پته‌های جلوی کتش را گرفت و به سرعت دوید به سمت مغازه. شیشه‌های نوشابه را از مرد جوان تحویل گرفت و دوباره به آن طرف خیابان دوید. چلینگ چلینگ می‌کردند و توی کیسه سیاه به هم می‌خوردند.

زخم انگشتش هربار که دمپایی پاره اش را روی لاستیک جلوی چرخ می‌کشید تا ترمز بگیرد، دوباره خون می‌آمد. کف دمپایی چسبیده بود به کف پایش. چشم‌هایش دست دختری را که سر چهارراه گل می‌فروخت، دنبال کرد. به صورت هم نگاه کردند. دختر خندید و گل‌ها را برایش تکان داد.

پیچید و وارد کوچه‌ای تنگ شد. روی دیوارهای کوچه پر از نوشته‌هایی بود که دوباره با رنگ سیاه خط خطی شده بودند. یک جا معلوم بود که یکی با رنگ قرمز شماره تلفن نوشته و یک نفر دیگر با رنگ سیاه خط‌های پررنگ رویش کشیده بود.

به اولین در رسید. پایش را روی لاستیک جلو کشید و دوچرخه ایستاد. در زد. پیرزنی لاغر با دندان‌های سیاه که یکی در میان افتاده بودند، در را باز کرد. پسر بیچاره همیشه از قیافه او می‌ترسید و هربار فکر می‌کرد حتما به‌خاطر این همه نوشابه‌ای که می‌خورد دندان‌هایش به این روز افتاده اند.

-سلام.

-سلام. زود باش! کجا موندی تا الان؟ قرار نبود یک ساعت پیش بیای.

-مدرسه بودم. تازه تعطیل شدم.

-خیلی خوب! زود اون شیشه رو بده حالا که اومده هم وایساده برام قصه می‌گه...

شیشه را تحویل داد و خیلی زود پیرزن در را به هم کوبید و رفت. با انگشت دو تا در شمرد و به سمت در بعدی رفت. زنگ نداشت باید با سنگ به در می‌کوبید و همیشه هم مردی با موهای فر و صورتی خشن بیرون می‌آمد و یک پس‌گردنی محکم به او می‌زد که چرا اینقدر محکم در زدی؟

مرد تا در را باز کرد، دستش را بالا برد و زد پشت گردنش. سلام! یواش که در زدم!

-کجا بودی تا حالا! اوستات نگفته چه ساعتی باید بیایی اینجا؟

-گفته... مدرسه بودم. تازه تعطیل شدم اول نوشابه اون خانم رو رسوندم الانم اومدم اینجا.



خندید و دندان‌های سیاهش پیدا شدند. صورت سفیدی داشت ولی بین همی دندان‌هایش یک خط سیاه و عمیق افتاده بود که توی ذوق می‌زد.

کیسه را از دستش گرفت و دوباره خندید.

- بده بینم چندتا نوشابه دیگه داری؟ دیگه واسه کی آوردی تو این کوچه؟

- برای اون پسر ویلچریه و باباش. ته کوچه.

- یه وقت جلو خودش نگی ویلچری‌ها. اگر گوش خودت رو دوست نداری بگو. اون الکی می‌شینه رو ویلچر. اگه بلند شد مثل آهو دنبالت می‌دوه و گوشت رو می‌بره و می‌زازه کف دستت.

- دیوونه هست؟

- آره... اونم چه دیوونه ای. نگا... این خط رو اون انداخته تو صورت من.

روی گونه سمت چپ صورتش یک خط خیلی عمیق بود که مشخص بود زخم بدی خورده است.

- باشه نمیگم.

- بیا... بگیر برو ببر براشون.

با ترسی بیشتر از قبل به سمت آخرین در رفت. قبل از اینکه در بزند، در باز شد و همان پسر ویلچری بدو پا به فرار گذاشت و مردی کچل و چاق با چاقو دنبالش می‌دوید. در یک چشم به هم زدن همه کوچه بیرون ریختند. و در کمتر از چند دقیقه پسر با شیشه‌های نوشابه‌اش هم توی ماشین پلیس سروار بودند و به سمت کلانتری می‌رفتند.

- آقا به قرآن من هیچ کاری نکردم! اونا خودشون دعواشون بود. من فقط نوشابه‌هاشون آوردم. اوستام گفت تا نهارشون نخوردن برو که دیر نشه. آقا تازه ده بارم زخم پام خون اومد ولی بهش محل ندادم.

پلیس جوان سرش را تکان داد و پرسید: چی تو شیشه‌های نوشابت بود؟

- نوشابه.

- یعنی میخوای بگی خودتم نمی‌دونی چی بردی براشون؟

- مگه چی بردم؟

- تریاک...!

دنیا دور سر پسرپچه چرخید. صورت یخ کرده خواهرش جلوی چشمش آمد که داشت سر چهارراه گل سرخ می‌فروخت. مادرش که توی اتاق خوابیده بود و منتظر بود یکی‌شان بیایند پشت کمرش را بگیرند تا بتواند راه برود و لقمه‌های نان سنگگ تازه را دستش بدهند...



وقایع زندگی علمای

هفته پژوهش؛ چراغی برای آینده

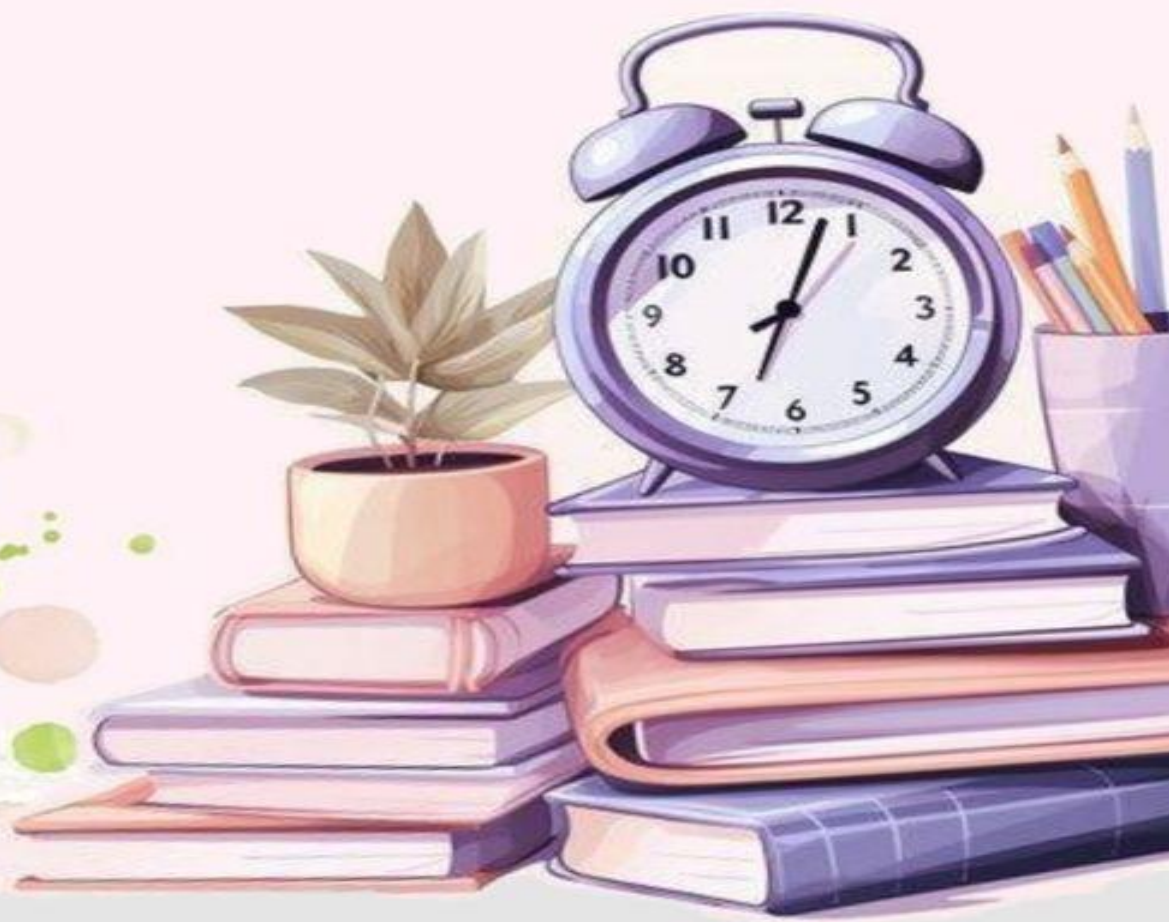
رقیه پورولی

مقدمه

پژوهش، جوهره‌ی دانایی و سرچشمه‌ی پیشرفت است. هر جامعه‌ای که به تحقیق و نوآوری بها دهد، مسیر تعالی و توسعه را هموار می‌سازد. هفته پژوهش فرصتی است تا اهمیت علم و تحقیق را یادآوری کنیم و نقش پژوهشگران را در ساختن آینده‌ای روشن‌تر ارج نهیم. این هفته نه تنها بزرگداشت تلاش‌های علمی است، بلکه دعوتی است به همه‌ی ما برای پرسشگری، حقیقت‌جویی و خلاقیت.

پژوهش؛ بنیان توسعه علمی و اجتماعی

پژوهش، زیربنای تولید علم و فناوری است. بدون پژوهش، آموزش به تکرار محفوظات محدود می‌شود و توانایی حل مسائل واقعی از میان می‌رود. پژوهشگران با طرح پرسش‌های تازه، مرزهای دانش را گسترش می‌دهند و راهکارهایی نو برای مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه می‌کنند. جامعه‌ای که پژوهش را ارزشمند می‌شمارد، فرهنگ پرسشگری و نقد سازنده را تقویت می‌کند و شهروندان آن به جای پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات، به تحلیل و بررسی می‌پردازند.





نقش هفته پژوهش در آموزش و پرورش

هفته پژوهش در مدارس و دانشگاه‌ها فرصتی برای آشنایی دانش‌آموزان و دانشجویان با اهمیت تحقیق است. نمایشگاه‌های علمی، کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های پژوهشی، تجربه‌ی عملی پژوهش را فراهم می‌آورند. دانش‌آموزان با مشاهده‌ی دستاوردهای همسالان خود، انگیزه می‌یابند تا خود نیز به تحقیق بپردازند. این هفته پلی است میان آموزش نظری و تجربه‌ی عملی، و زمینه‌ای برای پرورش نسلی پرسشگر و خلاق.

پژوهش و توسعه پایدار

امروزه جهان با بحران‌هایی چون تغییرات اقلیمی، کمبود منابع و چالش‌های بهداشتی روبه‌روست. پژوهش، کلید حل این مسائل است. با اتکا به پژوهش‌های علمی می‌توان راهکارهایی پایدار برای حفظ محیط زیست و ارتقای کیفیت زندگی یافت. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، همکاری میان علوم مختلف را تقویت کرده و راه‌حل‌های جامع‌تری ارائه می‌دهند. هفته پژوهش یادآور این حقیقت است که توسعه‌ی پایدار بدون پژوهش امکان‌پذیر نیست.

فرهنگ پژوهش در ایران

ایران با پیشینه‌ی درخشان علمی، همواره پژوهشگران بزرگی را در تاریخ خود پرورده است. امروز نیز دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور در حوزه‌های گوناگون از پزشکی و مهندسی تا علوم انسانی فعالیت‌های گسترده‌ای دارند. هفته پژوهش فرصتی است برای معرفی این دستاوردها و ایجاد ارتباط میان پژوهشگران و جامعه. تقویت فرهنگ پژوهش در ایران، نیازمند حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و ایجاد زیرساخت‌های مناسب است.

نتیجه‌گیری

هفته پژوهش تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه یادآور رسالت بزرگ انسان در جست‌وجوی حقیقت و ساختن آینده‌ای بهتر است. پژوهش، چراغی است که راه را روشن می‌کند و جامعه را از تاریکی جهل به سوی نور دانایی می‌برد. بیاییم در این هفته، با ارج نهادن به تلاش‌های پژوهشگران، خود نیز گامی در مسیر پرسشگری و نوآوری برداریم. آینده‌ی روشن ایران و جهان، در گرو پژوهش‌های امروز ماست.



کوثر

شنیده‌ام که هر گاه خداوند بخواهد به پدر و مادری خیر و برکت دهد، به او فرزندی صالح عطا می‌کند.

به راستی خدا چه هدیه زیبا و چه گوهر بی‌بدیلی به پیامبر اکرم عطا فرمود!

نامش فاطمه است. چه نام زیبا و پر معنایی! «جداشده از پلیدی‌ها»!

به قدری عزیز و با عظمت که سوره «کوثر» به نام عزیز اوست.

«أنا اعطیناک الکوثر»

حضرت فاطمه دختر پیامبر اسلام ﷺ است.

ایشان در خانه‌ای پر از ایمان و نور بزرگ شد و از همان کودکی، مهربانی و پاک منشی با قلب عزیز ایشان مأنوس بود و حاصلش درختی است که میوه‌هایش اصالت، شرافت، حجب، حیا، احترام و پاکدامنی است.

ایشان در روزگاری پر از رنج و سختی بزرگ شد و در اوج شب‌های تار که اعراب، پدر بزرگوارش را «ابتر» می‌نامیدند، هرگز گله و شکایتی از او شنیده نمی‌شد و تنها به دعا و شکر می‌پرداخت. به راستی سوره کوثر، چه زیبا در وصف مقام ایشان نازل گردید. فاطمه، صبور، آرام و نمادی از قدرت بود.

پس از ازدواج نیز همسری نمونه و محترم برای حضرت علی و مادری مهربان و دلسوز برای فرزندان‌ش بود.

حضرت فاطمه، نه فقط یک نام در تاریخ بلکه ستون محکم وقار و افتخار بانوان جهان است.

شنیدن نام او مانند قوتی است برای قلب‌ها.

اگر روزی بپرسند که قوی بودن به چه معناست و مادر خوبی‌ها کیست؟ بی‌آنکه لحظه‌ای فکر یا تردید کنم، حتما نام او را به زبان خواهم آورد. فاطمه، یک پناه و یک مسیر برای رسیدن به اوج خوبی‌هاست.



ای فاطمه! تو معنای واقعی احترام، پاکی، فداکاری، وقار و فروتنی را به جهان آموختی بی آنکه فریاد بزنی! رفتار و گفتارت برای اثبات این مدعا، کافیست.

تو نه فقط یک مادر و همسر نمونه، بلکه یک الگو برای دختران سرزمینم، یک نمونه از خوبی و صبوری برای مادران کشورم و یک افتخار برای اسلام هستی...!

ای مادر با متانت تو نه فقط یک شخصیت ناب تاریخ، بلکه یک فرشته الهی سرشار از انسانیت، صبر و شجاعت هستی؛ همانگونه که دخترت، زینب الگوی صبر و استقامت در برابر ظلم و پلیدی هاست. قطعاً به خاطر وجود نازنین توست که خداوند بهشت را زیر پای مادران قرار داد. معنای واقعی احترام پاکی و فداکاری را از وجود تو آموختم و در دنیایی که گاه حق، گم شده و گاه مهربانی، کمرنگ می‌شود، تو نماد و یادآوری هستی برای روشن ترین راه.

نام تو یکی از آن نام‌هاست که با خود عزت، عفت، شرافت و متانت را می‌آورد،

آنقدر عزیز و عزتمند هستی که بعد از سال‌های متمادی، نامت هنوز زنده و یادت هنوز گرمی‌داست.

به راستی کدام بانو به اندازه تو با عظمت است؟! حدیث کسا، تسبیحات گران‌قدر تو و سوره کوثر! وه که چه میراث پر برکتی برای بانوان مسلمان جهان از وجود تو به یادگار مانده است که با توسل به این میراث گرانبها بتوانیم به تو برسیم!

نام تو معجزه‌ای است مانند نور در دل تاریکی شب!

نام تو یادآور اصالت است! یادآور زیبایی در حین سادگی، و قوی و با اراده بودن است. به عنوان دختر مسلمان ایران زمین به خود می‌بالم که در تمام لحظات زندگی ام تو را خواسته‌ام و الگوی خود قرار داده‌ام. به امید اینکه فردای قیامت و در یوم‌الحساب، دستم را بگیری که دست‌های تو خود جنت برین هستند؛ باشد که از خدمتگزاران تو باشم و از دست‌های تو از چشمه کوثر آب بنوشم.



گفتگو با دانش آموزان کلاس سوم

خلعت زیبای تکلیف بر شما خجسته باد!

ورود به سن تکلیف و پذیرفتن عبودیت و بندگی پروردگار متعال را بر شما فرزندان مومن و متعهد تبریک و تهنیت می گویم. امید است در سایه توجهات خاص خداوند کریم و اطاعت از فرامین حضرت حق موجبات سعادت دنیا و آخرت را فراهم نمایید. به همین مناسبت، تصمیم گرفتیم با دختران پایه سوم دبستان حضرت خدیجه علیها السلام گفت و گویی شیرین داشته باشیم؛ تا از زبان خودشان بشنویم که چگونه برای این آغاز زیبا آماده شده اند و چه احساسی دارند؟



۲. سلین خانم! شما هم در

مورد جشن تکلیف توضیح دهید.

یک قدم بالاتر رفتن، وقتی به سن تکلیف می رسیم یعنی بزرگ و خانم شدیم و باید کارهایی را که خدا دستور داده انجام دهیم.



۱. اکنون نخستین پرسش را

از دختر گلیمان، الینا خانم،

مطرح می کنیم و از ایشان می خواهیم

جشن تکلیف یعنی چه؟

مانند همیشه لبخند می زنند و می گوید: یعنی حجاب داشته باشیم، اول وقت نماز بخوانیم و همانطور که وقتی معلم به ما می گوید این تکالیف را انجام بده و ما موظفیم انجام دهیم، خدا هم یکسری تکالیف به ما داده و از ما خواسته که انجام دهیم.



۳. ثمین جان وقتی شنیدی

به سن تکلیف رسیدی، چه احساسی

پیدا کردی؟

چشمانش را بست و چند دقیقه سکوت کرد و گفت: احساس بزرگ شدن، احساس خوشحالی، احساس با حجاب بودن و احساس کردم که یک مسئولیت روی دوشم هست که باید به نحو احسن انجام دهم.



۴. محیا خانم، اولین تکلیف دینی

که یاد گرفتی، چی هست؟

در حالی که خوشحالی می کرد، کمی فکر کرد

و گفت: من خیلی چیزها یاد گرفتم ولی اولین آنها، اول وقت نماز خواندن، روزه گرفتن، حجاب داشتن و قرآن خواندن و...



۵. حلما خانم اگر خواهی به

همسن و سالانت یک پیام دهید،

چه می گویی؟

من به آنها توصیه می کنم که از این به بعد باید حجاب داشته باشند و افراد محرم و نامحرم را بشناسند و به دوستانم توصیه می کنم که راه اهل بیت را الگوی زندگی خود قرار دهند و مانند حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام پاک و با حجاب و با عفت باشند و بزرگ و خانم شدنشان را تبریک می گویم.





۶. سوین جان وقتی می‌خواهی

دعا کنی، معمولاً از خدا چه می‌خواهی؟

دستانش را به صورت دعا گرفت و ادامه داد:

اول برای دوستانم دعا می‌کنم و از خدا می‌خواهم همه مریضان را شفا دهد و من زمانی که باران می‌بارد زیر آسمان می‌روم و دعا می‌کنم تا خدا دعایم را برآورده کند و برای سلامتی پدر و مادرهایم دعا می‌کنم. برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا می‌کنم تا هر چه زودتر ظهور کند. وقتی دعا می‌کنم، احساس می‌کنم خدا رو به رویم قرار دارد و دارم با او حرف می‌زنم.



۸. بنیتا جانم! چگونه

می‌توانیم خدا را خوشحال

و راضی کنیم؟

با انجام دادن کارهای خوب مانند نماز خواندن و احترام گذاشتن و انجام ندادن کارهای ناپسند...



۹. نازنین فاطمه جان!

دوست داری چه هدیه‌ای

دریافت کنی؟

دوست دارم یک شب بخوابم و صبح که بلند شوم، فرشته مهربان برایم عروسک آورده باشد.



۷. حنانه جان! وقتی به

سن تکلیف رسیدیم باید واجبات و

محرمات را رعایت کنیم؛ واجبات و محرمات چیست؟

وقتی به سن تکلیف می‌رسیم، یعنی به بلوغ رسیدیم و کارهایی را باید انجام دهیم که خدا دوست دارد و واجب است؛ مانند: روزه گرفتن، نماز خواندن و کارهایی را نباید انجام دهیم؛ مثل دروغ گفتن، بی‌احترامی کردن و...



۱۰. آیلین جان! اگر بخواهی

به عنوان معلم برای دانش‌آموزانت

در مورد جشن تکلیف بگویی، چگونه

برایشان توضیح می‌دهی؟

به آنها می‌گویم دانش‌آموزان عزیزم! جشن تکلیف یکی از بزرگترین جشن‌های زندگی هست و من زمانی که همسن شما بودم، با جشن تکلیف فهمیدم بزرگ شدم. آن روز همگی با چادر سفید نماز خواندیم و امیدوارم به زودی هم برای شما جشن بگیرند و به شما خیلی خوش بگذرد.



حکایت‌ها

در زمان‌های گذشته، پادشاهی تخته سنگ را در وسط جاده قرار داد و برای این که عکس العمل مردم را ببیند، خودش را در جایی مخفی کرد. بعضی از بازرگانان و ندیمان ثروتمند پادشاه بی تفاوت از کنار تخته سنگ می‌گذشتند؛ بسیاری هم غر می‌زدند که این چه شهری است که نظم ندارد؛ حاکم این شهر عجب مرد بی‌عرضه‌ای است و... با وجود این هیچکس تخته سنگ را از وسط بر نمی‌داشت. نزدیک غروب، یک روستایی که پشتش بار میوه و سبزیجات بود، نزدیک سنگ شد. بارهایش را زمین گذاشت و با هر زحمتی بود تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را کناری قرار داد. ناگهان کیسه‌ای را دید که زیر تخته سنگ قرار داده شده بود. کیسه را باز کرد و داخل آن سکه‌های طلا و یک یادداشت پیدا کرد. پادشاه در آن یادداشت نوشته بود: هر سد و مانعی می‌تواند یک شانس برای تغییر زندگی انسان باشد.

سنگ قبر حکیم

مرد بسیار ثروتمندی که از حکیمی دل خوشی نداشت با خدمتکارانش در بازار با حکیم و تعدادی از شاگردانش روبه‌رو شد. مرد ثروتمند با حالتی پر از غرور و تکبر به حکیم گفت: تصمیم گرفته‌ام پول خودم را هدر دهم و برایت سنگ قبری گران‌قیمت تهیه کنم. بگو جنس این سنگ از چه باشد و روی آن چه بنویسم تا هر کس بالای آن قبر بایستد و برای تو آرامش طلب کند شاد شود و خنده‌اش بگیرد.

حکیم خنده‌ای کرد و پاسخ داد: اگر خودت هم بالای سنگ قبر می‌ایستی، سنگ قبر مرا از جنس آینه انتخاب کن و روی آن هیچ چیز ننویس. بگذار مردمی که بالای آن می‌ایستند تصویر خودشان را ببینند و اگر هم آموزشی طلب می‌کنند نصیب خودشان شود.

مرد ثروتمند که حسابی جا خورده بود برای اینکه جلوی اطرافیانش کم نیاورد با تمسخر گفت: اما همه که برای دعای آموزش بالای سنگ قبر نمی‌ایستند.

حکیم با همان تبسم گرم و صمیمانه همیشگی‌اش گفت: آنها آینه‌ای بیش نخواهند دید.

بزرگمهر و انوشیروان

بزرگمهر وزیر دانای انوشیروان هرروز صبح زود خدمت انوشیروان می‌رفت و پس از ادای احترام رو در روی انوشیروان می‌گفت: سحر خیز باش تا کامروا گردی.

شبى انوشیروان به سرداران نظامی‌اش دستور داد تا نیمه شب بیدار شوند و سر راه بزرگمهر منتظر بمانند. چون پیش از صبح خواست به درگاه پادشاه بیاید لباس‌هایش از تنش در بیاورند و از هر طرف به او حمله کنند تا راه فراری برای او باقی نماند. صبح روز فردا وقایع طبق خواسته انوشیروان اتفاق افتاد. بزرگمهر راه فراری پیدا نکرد. چون صلاح ندید برهنه به درگاه انوشیروان برود، به خانه بازگشت و دوباره لباس پوشید. آن روز دیرتر به خدمت پادشاه رسید.

پادشاه خندید و گفت: مگر هر روز نمی‌گفتی سحر خیز باش تا کامروا باشی؟

بزرگمهر گفت: دزدان امروز کامروا شدند، زیرا آنها زودتر از من بیدار شده بودند. اگر من زودتر از آنها بیدار می‌شدم و به درگاه پادشاه می‌آمدم، من کامروا تر بودم.

راه فاطمی

شهیدان مانیز
مانند بانوی بزرگوار اسلام
در راه حق درخشانی
به شهادت رسیدند
که برای کتمان و اخفاء آن
از همه ابزارها و
وسائل زمان
استفاده می شد.

مهرماه ۱۳۹۲ | مهرماه ۱۳۹۲

